



دنیا، دنیای  
میان رشته‌ها است  
و تئاتر کاربردی یکی  
از میان رشته‌های  
مورد نیاز است.  
دردناک‌ترین  
بخش این تئاترین  
است که سهمی در  
جشنواره فجر ندارد  
و ما را در بخش  
اجرای خیابانی  
می‌گنجانند  
که هیچ‌گونه  
استانداردی برای  
این نوع از تولید  
ندارد. در واقع نبود  
بخش دیگرگونه‌ها  
در جشنواره  
موجب شده در  
بخش خیابانی  
قرار بگیریم که  
استاندارد تولید  
و اجرای متفاوتی  
دارد. این درحالی  
است که آینده  
تئاتر دنیا، تئاتر  
کاربردی است و با  
وجود این متوجه  
کردن مدیران و  
حتی هنرمندان  
جزو سخت‌ترین  
اتفاقات است



هستند، آن را در جشنواره خلاصه می‌کنند. این درحالی است که در طول سال، آثار متعددی تولید می‌شود که در جشنواره شرکت نمی‌کنند و یا تئاتر کاربردی که در جشنواره بخشی ندارد. از سویی وقتی تئاتر کاربردی در گروه تئاتر خیابانی دسته‌بندی می‌شود، داور هم سردرگم می‌شود که آن را در کدام دسته قرار داده و داوری کند؛ می‌بینیم که بیش از اینکه بخواهد برای اتفاقی هزینه شود، ما نیازمند برای تعریف بخشی ویژه تئاتر کاربردی در جشنواره فجر هستیم که در واقع برای نسل نوین طراحی شود.

وی همچنین اذعان داشت: در حوزه تئاتر کاربردی ما اثر تألیفی نداریم و حمایت از آثار تألیفی دیده نمی‌شود. خود بنده سه اثر آماده چاپ دارم که فعلاً حمایت کافی نشده است و انتظار ما حمایت از نویسندگانی است که تجربیات خود را مکتوب کرده‌اند. از سویی ما رشته تئاتر کاربردی به صورت مجزا نداریم درحالی که رشته‌های متنوعی برای تئاتر تعریف شده است. ما سلسله نمایش‌های رهایی را با هدف بازگویی مشکلات و اتفاقاتی که برای یک فرد رخ می‌دهد، تعریف کردیم که با بازسازی آن مسائل، فرد می‌تواند از وکیل و پزشک و افراد دیگر برای حل آن کمک بگیرد. در واقع با همین ساختار برای مشکلات پیش روی جامعه امروز می‌توانیم راهکار بدهیم.

جباری مولانا معتقد است، تئاتر صحنه درحال تبدیل شدن به کالای لوکس فرهنگی و هنری است. آینده دنیا تئاتر کاربردی است و اگر از دنیا عقب بمانیم بعداً باید از سرفاسوس دست روی دست بگوییم. دغدغه خود بنده آموزش نسل جوان بویژه در این سبک از نمایش است تا بتوانیم با کمک آن به حل مشکلات جامعه کمک کنیم. در دیدار رئیس جمهور از ساختمان رادیو نمایشی کاربردی را اجرا کردیم و مشکلاتی را برای ایشان مطرح کردیم. در بازدید رئیس قوه قضائیه و رئیس صدا و سیما نیز چنین اقدامی داشتیم تا بتوانیم در بازدید مسئولان با ساختار متفاوتی، نیازمندی‌ها و مشکلات را مطرح کنیم. در نظر داریم در آینده نزدیک نیز کلینیک تئاتر درمانی و اولین دانشکده آموزش تئاتر کاربردی را راه‌اندازی کنیم. امیدوارم روزی به تئاتر پویا با اقتصادی مطلوب دست یابیم. حواس‌تان باشد شاید بغل دستی‌تان چیزی را پنهان کرده است. شاید شکنجه‌گری او را تهدید به فریب شما کرده است و شاید درد نگفته‌ای دارد که باید از عمق چشمانش بخوانید. اینجا بند ۶ است.

برخلاف نمایش صحنه‌ای و خیابانی است. این ساختار جدید است و معرفی آن به مدیران ۱۵ سال زمان برده است و اصل فهم علمی تئاتر کاربردی اولین سختی است که این ساختار دارد. سختی بعدی مربوط به تولید است. در تئاتر صحنه‌ای همه چیز مشخص و چهارچوب دارد. اما در تئاتر کاربردی، شاید مجبور باشیم در یک سالن ۲۰۰۰ میزانشن بگیریم. باید برای آن دایره لغات مشخص شود و یک بار تحقیقاتی و تمرین تحقیقاتی نیاز دارد تا بازیگر به جای بازی کردن، نقش را زندگی کند.

به گفته فعال هنرهای نمایشی موضوع بعدی در تولید اثر بند ۶ این بود که کار کردن در موزه سختی خود را دارد. به عنوان مثال توجه به قوانین موزه و آسیب نزدن به بخش‌های مختلف آن، نورپردازی که به موزه آسیب نرساند و در مجموع مغایر چهارچوب‌ها نباشد، بخشی از سختی کار بود. اما باید اذعان داشت سخت‌ترین بخش، نپذیرفتن از سوی مدیران است. مخاطب امروز مطالبی را به عنوان فرآورده ذهن کارگردان نمی‌پذیرد و به دنبال این است که خود به تولید محتوا برسد یا در آن اثرگذار باشد.

وی با اذعان به اینکه به عنوان مثال استفاده از هوش مصنوعی به سمت و سوی دخالت در تولید محتوا رفته است و تئاتر هم باید به سمت و سوی تعامل گام بردارد، اضافه کرد: دنیا، دنیای میان رشته‌ها است و تئاتر کاربردی یکی از میان رشته‌های مورد نیاز است. دردناک‌ترین بخش این تئاترین است که سهمی در جشنواره فجر ندارد و ما را در بخش اجرای خیابانی می‌گنجانند که هیچ‌گونه استانداردی برای این نوع از تولید ندارد. در واقع نبود بخش دیگرگونه‌ها در جشنواره موجب شده در بخش خیابانی قرار بگیریم که استانداردی تولید و اجرای متفاوتی دارد. این درحالی است که آینده تئاتر دنیا، تئاتر کاربردی است و با وجود این متوجه کردن مدیران و حتی هنرمندان جزو سخت‌ترین اتفاقات است.

کارگردان تئاتر تصریح کرد: یکی از اتفاقاتی که به اعتقاد بنده می‌شود در رابطه با مشکلات و نیازمندی‌های هنرهای نمایشی مطرح کرد این است که اگر خط‌دهی و مسیری‌دهی درست شکل بگیرد با اهمیت تراز حمایت مالی است. مخاطب امروز هنر نمایشی هوشمند و فهیم است و می‌تواند کار خوب و ضعیف را تشخیص دهد. اما در اصل در هنرهای نمایشی آنچه به عنوان ضعف می‌تواند مطرح شود این است که عزیزانی که در صدر مدیریت هنرهای نمایشی

## نمایش برای کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع است

شکنجه همه جا شکنجه است. وقتی از مخاطب خواسته می‌شود دو نفری که خود را پنهان کرده‌اند را بیابد و وقتی خواسته می‌شود ردالت یک شکنجه‌گر را به تماشا بنشیند، برق ترس در قلبش می‌دود، خونسش منجمد می‌شود و دست‌هایش سست می‌شود. به تماشاگر گفته‌اند با لباس گرم در نمایش حضور یابد و به او گفته‌اند اگر بیماری قلبی دارد به کل مشارکت نکند. در مقابل حال و هوای وحشت‌زای این اثر، کارگردان بند ۶ معتقد است اثری ترسناک نیست و داستانی که در دل این فضای مخوف تاریخی است اساساً داستان غم‌انگیز با فضای وحشت‌افزایی است و تلاش شده این فضای وحشت‌افزا برای مخاطب تلطیف شود.

وی گفت: این تلطیف نه به معنی کم کردن بار خشونت شکنجه‌گران بلکه ارائه توضیحاتی در ابتدای نمایش جهت همراه کردن مخاطب است تا مانع انتقال پیام نشود. اساساً فضای این موزه ترسناک است اما تلاش کردیم داستان سوار بر ترس نباشد و در برخی جاها از ترسی که به مخاطب انتقال پیدا می‌کند با تلطیف بازی‌ها و قانع کردن مخاطب ممانعت کنیم. در واقع به مخاطب توضیح می‌دهیم که قرار است از پیش در چنین فضایی قرار گیرد و در ابتدای راه توضیحاتی دادیم که بیماران قلبی و عصبی، زنان باردار و کودکان زیر ۱۵ سال حضور نیابند.

جباری مولانا تصریح کرد: تلاش شده که مخاطب با داستان همراه شود و داستان را پیش برد و تلاش کردیم کاری کنیم که بیشتر از ترس به محتوا فکر کند و بداند ترس، اتفاقی در دل این بنای تاریخی است نه در دل داستان. اتفاقاً داستانی که روایت می‌کنیم عاشقانه است؛ در جاهایی مخاطب را می‌خندانیم یا با موسیقی به آرامش می‌رسانیم و صرفاً صحنه‌های خشن و شکنجه نمی‌بیند. تلاش کردیم با یک سری از عادت‌های نمایشی مانند یک سری بازی‌ها و یادگیری رموز به حدی مخاطب را درگیر کنیم که احساس ترس نداشته باشد.

## ۱۵ سال صرف زمان برای متقاعد کردن مدیران

در عین حال که تئاتر کاربردی برای تماشاگر جذابیت دارد اما سختی‌هایی نیز به همراه دارد. جباری مولانا مهم‌ترین آن را تعریف و جانمایی این نوع از تئاتر در اندیشه عموم می‌داند. وی در این خصوص تصریح کرد: تئاتر کاربردی

موزه عبرت یا شکنجه‌های کمیته مشترک ضد خرابکاری را به نمایش بگذارد. با توجه به تمایز محیط و حتی تفاوت در دیوارها تلاش کردیم در این نمایش به یک سری از احساسات گم شده در دل این زندان بپردازیم. ما در این مجال به مخاطبان در ساعاتی که خود را به عنوان زندانی می‌بینند با همراهی بازیگران و سایر افکت‌ها کمک می‌کنیم واقعیت‌های زندان بهتر دیده و احساس شود.

وی تصریح کرد: با توجه به اینکه موزه عبرت مثل خیلی از بناهای تاریخی دیگر داستان خود را دارد، تلاش کردم به داستان موزه عبرت از یک قرن بعد زندگی می‌کند و اتفاقات را مرور می‌کند. تلاش کردم آنچه در دل دیوارهای زندان است مورد توجه قرار گیرد. شاید یک موضوع مشخص و روانی داریم مثل اینکه بگوییم اینجا زندان و محل شکنجه‌ای بوده برای کسانی که برای آرمان‌های خود ایستاده‌اند. اما بنده داستان‌ها را ریزتر بررسی کردم.

جباری مولانا بیان داشت: خرده داستان‌هایی مانند داستان زن و شوهری که با زبان رمز خیر زنده بودن خود را به همدیگر می‌گویند و با شخصیت زنی که تلاش می‌کند در فضایی که زندانبان‌ها به موضوعات اخلاقی پایبند نیستند، عفاف خود را حفظ کند. به مشکلات زیست در این زندان پرداختم و اینکه اگر زندانی وارد زندان می‌شد چطور باید زندگی می‌کرد و غذا خوردن او به چه شکلی می‌شد و در پلان پایانی به این پرداختیم که در فضای سورتالی زندانبان به بازخواست زندانبان‌ها و شکنجه‌گرها می‌پردازند. کارگردان بند ۶ معتقد است نکته مهمی که به آن پرداخته شده، مسأله زندانبانی است که از شکنجه‌گاه‌های مختلف در ادوار مختلف تاریخ به تصویر کشیده شدند. مثلاً زندانی از ابوغریب یا زندانی داعش و زندانی رژیم صهیونیستی آورده شده و با زبان‌های خود؛ ترکی، انگلیسی و عربی شرح حال خود را مطرح می‌کنند و می‌گویند که شکنجه‌گاه، شکنجه‌گاه است و شکنجه‌گرهای اینجا با شکنجه‌گرهای ابوغریب فرقی ندارند و با آزادی بیان و اندیشه مبارزه می‌کنند.

جباری مولانا با اذعان به اینکه کسانی که در این زندان بودند از متفکران و اندیشمندان و افراد مؤثر بودند، درخصوص نحوه استفاده از اسناد تاریخی برای تولید این اثر نمایشی گفت: ما اسناد صوتی و تصویری زیادی داریم اما برخی زندانبان موزه عبرت هنوز زنده هستند و این خود بهترین سند محسوب می‌شود.